پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۸، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صص ۱۹۱-۲۱۷ (مقاله پژوهشی)

No. 38, Spring & Summer 2026

نخستین مواجهه غرب با قرآن: پروژه ترجمه کلونی و میراث دوگانه آن

الهه هادیان رسنانی[۱]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶)

چکیده

این مقاله به بررسی نخستین مواجهه آگاهانه و سازمان‌یافته جهان مسیحی غرب با قرآن در قرن دوازدهم میلادی می‌پردازد و پروژه ترجمه‌ای را تحلیل می‌کند که به ابتکار پطرس مُعظَّم، ابوت دیر کلونی، شکل گرفت. در بستر جنگ‌های صلیبی و نگرانی‌های فزاینده کلیسای لاتین از گسترش نفوذ اسلام، این پروژه با هدف انتقال تقابل با اسلام از میدان نبرد به عرصه متن، استدلال و جدل الهیاتی طراحی شد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ترجمه لاتینی قرآن به دست رابرت کتونی و گردآوری مجموعه موسوم به کلونی (*Corpus Cluniacense*)، نه تلاشی بی‌طرفانه برای فهم اسلام، بلکه برنامه‌ای جهت‌دار و تبشیری برای تجهیز الهیات مسیحی در برابر «دیگری اسلامی» بوده است. با تحلیل انگیزه‌ها، ترکیب مترجمان، ساختار متون انتخاب‌شده و شیوه ترجمه، مقاله نشان می‌دهد که ترجمه قرآن در این پروژه کارکردی جدلی داشته و به‌عنوان ماده خام برای نگارش نخستین ردیه‌های منسجم ضداسلامی در غرب لاتین به کار گرفته شده است. در عین حال، این مقاله بر میراث دوگانه پروژه کلونی تأکید می‌کند: از یک سو، تولید دانشی جهت‌دار و تحریف‌شده درباره قرآن، و از سوی دیگر، فراهم‌سازی زیرساخت زبانی و متنی‌ای که ناخواسته راه را برای شکل‌گیری مطالعات قرآنی و اسلام‌پژوهی غربی در قرون بعد گشود.

کلید واژه‌ها: ترجمه لاتینی قرآن، پروژه کلونی، پطرس مُعظَّم، رابرت کتونی، مواجهه غرب با اسلام.

۱. دانشیار گروه قرآن، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران؛ hadian.e@hadith.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۱. بیان مسئله

مواجهه غرب مسیحی با قرآن، یکی از کانونی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین فصل‌های تاریخ تعامل اسلام و مسیحیت به‌شمار می‌آید. این مواجهه نه در قالب گفت‌وگویی برابر و میان‌فرهنگی، بلکه عمدتاً در بستر رقابت‌های الهیاتی، منازعات نهادی و تقابل‌های سیاسی شکل گرفت. در این میان، قرن دوازدهم میلادی نقطه عطفی تعیین‌کننده است؛ سده‌ای که در آن، برای نخستین بار جهان مسیحی لاتین کوشید مستقیماً به متن مقدس مسلمانان (قرآن) دسترسی یابد. با این حال، این دسترسی از آغاز در چارچوبی کاملاً جهت‌دار و جدلی تعریف شد.

پروژه ترجمه قرآن به ابتکار پطرس مُعظَّم، ابوت دیر کلونی، نمونه بارز این چرخش از تقابل نظامی به مواجهه متنی و الهیاتی است. این پروژه، که به تولید نخستین ترجمه کامل لاتینی قرآن و مجموعه‌ای از متون اسلامی انجامید، اغلب در تاریخ‌نگاری غربی به‌عنوان «آغاز اسلام‌پژوهی غربی» یا نشانه‌ای از عقل‌گرایی قرن دوازدهم معرفی شده است. با این حال، چنین خوانشی، خطر فروکاستن این پروژه به یک ابتکار علمی یا کنجکاوی فکری را در پی دارد و زمینه‌های ایدئولوژیک، تبشیری و نهادی آن را نادیده می‌گیرد.

مسئله اصلی این پژوهش از همین‌جا آغاز می‌شود: آیا پروژه ترجمه کلونی را می‌توان تلاشی برای فهم اسلام دانست، یا باید آن را بخشی از یک راهبرد جدلی سازمان‌یافته برای نقد، بی‌اعتبارسازی و مهار نفوذ اسلام در جهان مسیحی تلقی کرد؟ نسبت میان ترجمه قرآن، ساختار مجموعه تولدو و نگارش نخستین ردیه‌های منسجم ضداسلامی در غرب لاتین چیست؟ و این پروژه چه میراثی – مثبت یا منفی – برای تاریخ قرآن‌پژوهی غربی بر جای گذاشته است؟

اهمیت طرح این پرسش‌ها در فضای پژوهشی فارسی دوچندان است؛ زیرا علی‌رغم گستردگی مطالعات غربی در این زمینه، بررسی تحلیلی و انتقادی پروژه ترجمه کلونی،

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

به‌ویژه با تمرکز بر پیوند ترجمه، جدل الهیاتی و قدرت نهادی کلیسا، در زبان فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله می‌کوشد با بازخوانی دقیق منابع لاتینی و تحلیل کارکرد واقعی ترجمه قرآن در اندیشه پطرس مُعظَّم، تصویری واقع‌بینانه‌تر از نخستین مواجهه غرب با قرآن ارائه دهد و جایگاه آن را در شکل‌گیری سنت اسلام‌پژوهی غربی به‌طور انتقادی بررسی کند.

۲. مقدمه

مواجهه غرب مسیحی با قرآن یکی از کانونی‌ترین و در عین حال مناقشه‌برانگیزترین فصل‌های تاریخ تعامل اسلام و مسیحیت است. در ادامه، این موضوع از چهار منظر اهمیت، پیشینه، نوآوری و روش بررسی می‌شود.

۲-۱. اهمیت و ضرورت

بررسی نخستین مواجهه غرب مسیحی با قرآن از آن رو اهمیت دارد که الگوی اولیه شکل‌گیری «اسلام‌پژوهی غربی» را آشکار می‌سازد و پیوند ناگسستنی میان تولید دانش، قدرت نهادی و منازعات الهیاتی را نشان می‌دهد. پروژه ترجمه کلونی در قرن دوازدهم، نقطه آغازی است که فهم جهت‌گیری‌های بعدی خاورشناسان نسبت به قرآن را ممکن می‌کند. در فضای پژوهشی فارسی، تحلیل نظام‌مند این پروژه با تمرکز بر کارکرد جدلی ترجمه و پیوند آن با برنامه‌های کلیسا، همچنان خلأیی قابل توجه است.

۲-۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات پیشین نشان می‌دهند که پروژه تولدو و ترجمه لاتین قرآن توسط پطرس معظم[1] نقطه عطفی در آغاز اسلام‌شناسی در اروپا بود. پژوهشگران مانند کریتزک[2] و ساترن[3] بر نقش این پروژه در ایجاد نخستین متن لاتینی قرآن و آغاز مطالعات نظام‌مند

1. Peter the Venerable.
2. Kritzeck, 1964.
3. Southern, 1962.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

غربی درباره اسلام تأکید کرده‌اند. مطالعات بعدی، از جمله آثار رسنیک[1]، به بررسی نگارش‌های ضد اسلامی مرتبط با این پروژه و اهداف فرهنگی و مذهبی آن پرداخته‌اند.

همچنین تحقیقات معاصر، مانند بورمن[2] و پیم[3]، فرایند ترجمه قرآن و تأثیر آن بر بازنمایی مسلمانان در اروپا را تحلیل کرده‌اند. پژوهش‌های تولان[4] و لاپین[5] نیز نشان می‌دهند که ترجمه لاتین قرآن، علاوه بر اهداف مذهبی و انتقادی، نقش مهمی در انتقال مفاهیم اسلامی و شکل‌گیری نگرش‌های اروپایی نسبت به اسلام داشته است.

منابعی مانند فورنت[6] و نسخه‌های منتشر شده آثار پطرس معظم[7] نیز مستندات اصلی درباره محتوای این ترجمه و اهداف مترجم را فراهم می‌کنند. مطالعات اخیر مانند الگیندی و سانچز[8] و مارتینز گازکز[9] تحلیل‌های فرهنگی و تاریخی این پروژه و تأثیر آن بر تصور اروپا از اسلام را ارائه کرده‌اند و نشان می‌دهند که پروژه تولدو تنها یک اقدام ترجمه‌ای نبود، بلکه بخشی از تعامل فرهنگی و مذهبی قرون وسطی میان مسیحیت و اسلام بود.

در منابع فارسی و عربی، اگرچه به ترجمه‌های لاتینی قرآن در قرون وسطی و به‌ویژه ترجمه منسوب به پطرس مُعظَّم اشاره‌هایی شده است، اما این آثار عمدتاً به معرفی کلی ترجمه‌ها یا بررسی جایگاه آن‌ها در تاریخ مواجهه غرب با اسلام بسنده کرده‌اند. در این مطالعات، ترجمه لاتینی قرآن بیشتر در چارچوب مباحث عام اسلام‌شناسی، تاریخ خاورشناسی یا نقد نگاه غربی به اسلام مطرح شده و کمتر به‌عنوان پروژه‌ای مستقل با زمینه‌های تاریخی، الاهیاتی و سیاسی خاص مورد تحلیل قرار گرفته است.

در میان آثار فارسی، کتاب «شناخت قرآن: قرآن و خاورشناسان» (معارف، ۱۳۹۴) فصل سوم خود را به «تحلیل و نقد مطالعات قرآنی مستشرقان» اختصاص داده است. این اثر اگرچه به پروژه کلونی به‌طور خاص نمی‌پردازد، اما چارچوبی انتقادی برای فهم نگاه

1. Resnick, 2016.
2. Burman, 2007.
3. Pym, 1994.
4. Tolan, 2008.
5. Lappin, 2021.
6. Fournet, 1911.
7. Peter the Venerable, 2013; 2016.
8. Elgindy & Sanchez, 2024.
9. Martínez Gázquez, 2012.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

جهت‌دار غرب به قرآن ارائه می‌دهد که با مسئله اصلی این مقاله (نخستین مواجهه جدلی غرب با قرآن) همسو است.

برخی پژوهش‌های عربی، از جمله آثار بدر و نشوی جمعه ضیف‌الله، به درستی به نقش پطرس مُعظَّم و ویژگی‌های کلی ترجمه لاتینی قرآن اشاره کرده‌اند و در مواردی به جهت‌گیری‌های انتقادی و جدلی این ترجمه پرداخته‌اند؛ با این حال، این مطالعات غالباً فاقد تمرکز نظام‌مند بر انگیزه‌های الاهیاتی، تبشیری و نهادیِ پشتِ پروژه ترجمه هستند و فرایند ترجمه، انتخاب متون، و پیوند آن با برنامه ردیه‌نویسی کلیسا به‌صورت تحلیلی و منسجم بررسی نشده است.

مقاله حاضر می‌کوشد با تمرکز بر همین خلأ، ترجمه لاتینی قرآن در پروژه کلونی را نه صرفاً به‌عنوان یک رویداد ترجمه‌ای، بلکه به‌مثابه کنشی هدفمند در بستر منازعات دینی و فکری قرون وسطی تحلیل کند.

۲-۳. نوآوری پژوهش

نوآوری مقاله حاضر در آن است که ترجمه لاتینی قرآن در پروژه کلونی را نه صرفاً به‌عنوان یک رویداد ترجمه‌ای، بلکه به‌مثابه کنشی هدفمند در بستر منازعات دینی و فکری قرون وسطی تحلیل می‌کند. همچنین این پژوهش برای نخستین بار در چارچوب مقالات فارسی، به‌طور مشخص بر میراث پروژه کلونی (هم‌زمان زمینه‌سازی برای تحریف و بدنام‌سازی اسلام و فراهم‌آوری زیرساخت برای مطالعات علمی بعدی) تمرکز دارد و انگیزه‌های نهادی کلیسا، ساختار جدلی مجموعه و پیوند ترجمه با ردیه‌نویسی ضداسلامی را به‌طور منسجم بررسی می‌کند.

۲-٤. روش پژوهش

این پژوهش به روش تاریخی - تحلیلی و با اتکا به منابع دست اول لاتینی و پژوهش‌های معتبر انجام شده است. داده‌ها با تحلیل محتوای کیفی، بررسی بسترهای

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

تاریخی و مقایسه هدف رسمی پروژه کلونی با دستاورد واقعی آن ارزیابی شده‌اند. رویکـرد انتقادی مقاله، به‌جای توصیف یا تاریخ‌نگاری صرف، پیوند دانش، قـدرت و ایـدئولوژی را در نخستین مواجهه غرب با قرآن آشکار می‌کند.

۳. بستر تاریخی و فکری قرن دوازدهم

نخستین مواجهه آگاهانه، هدفمند و روشمندِ جهان مسیحی غرب با اسلام و به‌ویـژه بـا متن مقدس قرآن، در قرن دوازدهم میلادی و در بستری پیچیده و چندوجهی شکل گرفـت. این سده، عصر اوج جنگ‌های صلیبی، تشدید رقابت‌های تمدنی با جهان اسـلام و نگرانـی عمیق کلیسای لاتین از گسترش نفوذ سیاسی، فکـری و دینـی مسـلمانان بـود. در چنـین زمینه‌ای، شناخت «دیگری اسلامی» بیش از آنکه تلاشی علمی بـرای فهـم اسـلام باشـد، پاسخی دفاعی به دغدغه‌های الهیاتی و نهادی کلیسا و بخشی از راهبرد گسترده‌تر آن برای تثبیت اقتدار خود در برابر رقیب دینی محسوب می‌شد.

در چنین زمینه تاریخی‌ای، پطرس مُعَظَّم[1]، ابوت دیر کلونی[2]، در سال ۱۱۴۲ میلادی به اندلس – یکی از پیشرفته‌ترین مراکز تمدن اسلامی در غرب – سفر کرد.

مواجهه مستقیم او با جامعه‌ای مسلمان که از انسجام سیاسی، سـاختار اداری کارآمـد و نفوذ فرهنگی چشمگیر برخوردار بود، نگرانی او را نسبت به «قدرت جاذبه» اسلام افزایش داد. برای پطرس، پرسش اصلی این بود که چه مؤلفه هایی در اندیشه و نظام دینـی اسـلام، به‌ویژه در قرآن، چنین توانایی جذب و انسجام‌بخشی ایجاد کـرده اسـت و کلیسـای لاتـین چگونه می‌تواند در برابر این نفوذ فکری و تمدنی، پاسخی تبشیری و دفاعی فراهم آورد.

---

1. Peter the Venerable.

۲. «کلونی» (Cluny) نام یکی از بزرگ‌ترین و اثرگذارترین دیرها و جنبش‌های رهبانی در اروپا در قرون وسطی است. ایـن دیر که در سده دهم میلادی در ناحیه بورگونی فرانسه تأسیس شد، در قرون یازدهم و دوازدهم به مرکـز اصـلی اصـلاحات کلیسایی، آموزش الهیاتی و دیپلماسی مذهبی تبدیل گردید. «نهضت کلونی» نقش مهمی در سازمان‌دهـی شـبکه‌ای گسـترده از صومعه‌ها و در شکل‌دادن به سیاست دینی اروپا ایفا کرد. پروژه ترجمه قرآن در سده دوازدهم نیز توسط ابـوت ایـن دیـر، پطرس مُعَظَّم (Peter the Venerable)، سامان‌دهی شد. ابوت (Abbot)؛ عنوان عالی‌ترین مقام یک دیر یـا صـومعه در سـنت رهبانی مسیحیت است که ریاست دینی و اداری راهبان را بر عهده دارد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

او در جریان این سفر دریافت که ادامه منـاظره و مقابلـه بـا مسـلمانان، بـدون دسترسـی مستقیم به مهم‌ترین متن آنان – قرآن – عملاً فاقد بنیان علمی و الهیاتی است. به بیـان دیگـر، برای پطرس، رجوع به قرآن نه تلاشی برای فهم منصفانه اسلام، بلکه ضرورتی راهبردی برای نقد و بی اعتبارسازی آن به منظور مقابله با گسـترش اسـلام و تقویـت تبشـیر مسـیحی بـود. ازاین رو، نخستین انگیزه مسیحیان لاتین برای مطالعه نظام‌مند قرآن در قرن دوازدهـم، هـدفی آشکارا تبشیری و جدلی[1] داشت و نه پژوهش بی‌طرفانه یا فهم میان‌فرهنگی.

در همین راستا، پطرس مُعَظَّم به‌عنوان ابوت کلونی، نقشی محـوری در انتقـال مواجهـه کلیسا با اسلام از سطح میدان جنگ به عرصه «متن، استدلال و جدل الهیـاتی» ایفـا کـرد. اهمیت نقش او نه در تلاش برای ارائه تصویری منصفانه از اسلام، بلکه در این واقعیت بـود که او نخستین‌بار این مواجهه را در قالب یک پروژه سازمان‌یافته برای ترجمه و گـردآوری متون اسلامی – به‌ویژه قرآن – به لاتین سامان داد؛ پروژه‌ای که هدف اصلی آن فراهم‌کردن امکان نقد مؤثر اسلام بر اساس مبانی الهیاتی مسیحی بود. سفر او به اندلس و طرحِ ترجمه مجموعه‌ای از منابع اسلامی، بعدها به‌عنوان آغاز ورود اسلام بـه حـوزه مطالعـات الهیـاتی غرب شناخته شد، اما این آغاز، بر پیش‌فرض‌هایی عمیقاً منفی، جهت‌دار و دفـاعی نسـبت به قـرآن و آمـوزه‌هـای اسـلامی اسـتوار بـود (Kritzeck, 1964, pp. 10–14, 24–32, 42; Southern, 1962, pp. 37–39, 42)

٤. سفر و جایگاه معنوی پطرس معظم

سفر پطرس مُعظَّم به اسپانیا در سال ۱۱۴۲ سفری کوتاه یـا معمـولی نبـود؛ او خـود را برای غیبتی طولانی آماده کرده و اداره کامل شبکه کلونی را موقتاً به دیگری سـپرد، امـری که نشان می‌دهد این سفر نوعی وقفه برنامه‌ریزی‌شده و استثنایی در فعالیت‌هـای عـادی او بوده است (Kritzeck, 1964, p. 10)

پطرس مُعظَّم در سنت کاتولیکی از جایگاهی ممتاز برخوردار است. هرچند او هرگز در

1. polemical.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

قرون وسطی به‌طور رسمی در شمار قدیسان[1] قرار نگرفت، اما از همان دوران حیات و پس از آن، در میان مردم و به‌ویژه در سنت دیر کلونی همچون شخصیتی قدیس‌گونه مورد تکریم بود. این سنت دیرپا در سال ۱۸۶۲ از سوی پاپ پیوس نهم به‌طور رسمی تأیید شد و به همین سبب، پطرس مُعظَّم در فهرست رسمی قدیسان و مبارکان کلیسای کاتولیک رومی[2] ثبت شده است. افزون بر این، حتی برنارد کلروو[3] – منتقد سرسخت سنت کلونی – از نخستین کسانی بود که او را با لقب «Venerable» (معظّم) خطاب کرد؛ امری که به‌روشنی نشان‌دهنده جایگاه معنوی تثبیت‌شده پطرس در کلیسای لاتین سده دوازدهم است (Fournet, 1911)

جایگاه ممتاز پطرس مُعظَّم در ساختار کلیسای لاتین سده دوازدهم نقشی اساسی در امکان‌پذیری و موفقیت پروژه ترجمه کلونی داشت. او تنها یک ابوت بانفوذ نبود، بلکه از چهره‌های برجسته و اثرگذار مسیحیت غربی به شمار می‌رفت که در شوراهای مهمی همچون پیزا (۱۱۳۴) و رَنس (۱۱۴۷) مشارکت فعال داشت و در منازعات الهیاتی زمانه، از جمله در مناقشه مربوط به پیتر آبلار، به‌عنوان میانجی‌ای خردمند و چهره‌ای دارای اتوریته فکری شناخته می‌شد .(Kritzeck, 1964, pp. 14–18) این نفوذ گسترده سبب می‌شد اقدام او برای ترجمه قرآن نه یک ابتکار فردی، بلکه طرحی نهادی و سازمان‌یافته در چارچوب کلیسای لاتین تلقی شود؛ طرحی که هدف آن تجهیز دستگاه الهیاتی مسیحیت برای مواجهه فکری و جدلی با اسلام بود. همان‌گونه که ساترن اشاره می‌کند، پطرس به‌سبب همین جایگاه محوری قادر بود منابع مالی، انسانی و علمی لازم را بسیج کند و نخستین مواجهه نظام‌مند و سازمان‌یافته غرب با متن قرآن را رقم بزند.(Southern, 1962, pp. 34–38)

۵. انگیزه پروژه: رویکردی نوین در مواجهه با اسلام («کلام» در برابر «شمشیر»)

انگیزه اصلی پطرس معظم از راه‌اندازی پروژه ترجمه لاتین قرآن، فراتر از یک

1. canonized saints.
2. Martyrologium Romanum.
3. Bernard of Clairvaux.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

کنجکاوی صرف بود و ریشه در یک راهبرد کلامی – فکری داشت. او در دورانی زندگی می‌کرد که اروپا، به‌ویژه پس از جنگ‌های صلیبی، عمدتاً مواجهه‌ای نظامی با جهان اسلام داشت؛ اما پطرس بر این باور بود که تقابل حقیقی با اسلام نه در میدان نبرد، بلکه در عرصه اندیشه و کلام باید صورت گیرد.

هدف اصلی او، شناخت دقیق و مستند اسلام از طریق متون اصلی مسلمانان بود تا بتواند ردیه‌ای مستدل و منطقی علیه آن بنویسد. پطرس معتقد بود که بدون درک صحیح از قرآن و عقاید اسلامی، هرگونه نقد و مقابله فکری، سطحی و بی‌اثر خواهد بود و در نامه‌های خود تصریح می‌کند که هدفش مواجهه با اسلام از طریق «کلام و منطق» است، نه با «شمشیر» (Kritzeck, 1964, p. 15-23, 24-36)

بنابراین، این پروژه در وهله اول یک طرح «آپولوژتیک» (دفاعیه کلامی) بود و هدف آن فراهم آوردن ابزاری علمی و دقیق برای متکلمان مسیحی بود تا بتوانند به‌طور مؤثر به جدل و بحث با مسلمانان بپردازند و از عقاید مسیحیت دفاع کنند. این رویکرد، در زمان خود، نوآورانه بود؛ زیرا به جای تکیه بر شایعات و اطلاعات رایج، بر مطالعه مستقیم و متنی تأکید داشت. (Kritzeck, 1964, p. 42-47)

در کنار این انگیزه اصلی، دو هدف دیگر نیز دنبال می‌شد:

الف) مقابله با گسترش اسلام در اروپا: پطرس نگران نفوذ فکری اسلام، به‌ویژه در اسپانیا بود و پروژه را راهی برای مصون‌سازی جوامع مسیحی می‌دانست.

ب) ایجاد یک منبع معتبر: او قصد داشت مجموعه‌ای جامع[1] فراهم آورد که برای نسل‌های بعدی محققان مسیحی قابل استفاده باشد و به مرجعی استاندارد برای مطالعات اسلامی تبدیل شود.

اگرچه انگیزه اولیه پطرس مقابله کلامی بود، این پروژه به‌طور ناخواسته راه را برای درک عمیق‌تر و آکادمیک‌تر اسلام در غرب باز کرد و میراثی ماندگار در تاریخ تعاملات

1. Corpus.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

فکری اسلام و مسیحیت از خود به جای گذاشت. (Kritzeck, 1964)

آنچه پطرس مُعَظَّم را از بسیاری از هم‌عصرانش متمایز می‌کرد، نه تمایل به شناخت بی‌طرفانه اسلام، بلکه باور او به ضرورت انتقال مبارزه با اسلام از میدان جنگ به عرصه استدلال و جدل الهیاتی بود. از نظر او، مقابله مؤثر با اسلام باید نه با «شمشیر»، بلکه با «کلام، استدلال و مواجهه مستقیم با منابع اسلامی» صورت گیرد. همان‌گونه که جیمز کریتزک نشان می‌دهد، پطرس معتقد بود جنگ صلیبی اهداف اصلی خود را از دست داده و به جای مقابله الهیاتی با اسلام، درگیر منافع سیاسی شده است. ازاین‌رو، مهم‌ترین اقدام او در این زمینه، آغاز پروژه‌ای برای مطالعه مستقیم اسلام و قرآن بود تا بدین وسیله، کاستی‌های جنگ صلیبی را با «مبارزه فکری» جبران کند. (Kritzeck, 1964, pp. 3, 23)

این رویکرد تنها از خصومت ناشی نمی‌شد، بلکه به‌گفته ساترِن، بخشی از «خوش‌بینی عقلانی قرن دوازدهم» را بازتاب می‌داد؛ عصری که در آن کلیسای مسیحی بر این باور بود که با تکیه بر ابزار عقل و منطق می‌تواند هر نظام فکری رقیب را شناسایی و نقد کند (Southern, 1962, p. 34)با این حال، این خوش‌بینی در چارچوبی شکل گرفت که اسلام از ابتدا به‌عنوان رقیبی الهیاتی و تهدیدی برای اقتدار کلیسا تعریف شده بود. از همین رو، نارضایتی پطرس مُعَظَّم از جنگ‌های کورکورانه با مسلمانان نه نشانه تمایل او به فهم منصفانه اسلام، بلکه واکنشی به ناکارآمدی وضع موجود و تلاشی برای تبدیل مواجهه کلیسا با اسلام از سطح رویارویی نظامی به سطح جدل متنی و الهیاتی بود. او معتقد بود ادامه جنگ بدون شناخت مستقیم از قرآن و عقاید اسلامی در شأن کلیسا نیست و نمی‌تواند مبنایی برای ردّ اسلام فراهم آورد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رویکرد جدلی و انتقادی پطرس مُعَظَّم نسبت به قرآن، بیش از آنکه نتیجه انتخابی آزادانه باشد، از محیط تربیتی و دینی‌ای ناشی می‌شد که او در آن بزرگ شده بود. پطرس از کودکی به‌عنوان یک «اوبلات»[1] – یعنی کودکی که برای تربیت

1. Oblate.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

مذهبی به دیر سپرده می‌شود – در سنت کلونی پرورش یافت (Fournet, 1911; Tolan, 2008, p. 47)؛ سنتی که بر دفاع از کلیسا، مقابله با باورهای رقیب و حساسیت شدید نسبت به گسترش اسلام تأکید داشت (Kritzeck, 1964, p. 24). همین زمینه فکری و تربیتی باعث شد که او اسلام را نه دینی که باید آن را بی‌طرفانه شناخت، بلکه خطری الهیاتی و رقیبی جدی برای ایمان مسیحی ببیند (Tolan, 2008, p. 47). بنابراین، پروژه ترجمه قرآن در سده دوازدهم که به ابتکار او شکل گرفت، ماهیتی پژوهشی یا گفت‌وگومحور نداشت، بلکه طرحی هدفمند برای تقویت استدلال‌های تبشیری و فراهم‌کردن ابزارهای نقد اسلام بود (Ames, 2015).

مطالعات جدید درباره تاریخ مفهوم «بدعت» در مسیحیت لاتینی قرون وسطی نیز نشان می‌دهد که نگاه کلیسای غربی به اسلام، عمیقاً در چارچوب بدعت‌ستیزی تعریف می‌شد. همان‌گونه که ایمز توضیح می‌دهد، الهی‌دانان لاتینی اسلام را نه دین مستقل، بلکه «انحرافی عظیم» از سنت کتاب‌محور می‌پنداشتند و از این رو، آثار لاتینی درباره اسلام عمدتاً در خدمت تثبیت مرزهای هویتی و دفاع از حقانیت مسیحیت قرار داشت. به تعبیر او، دانش تولیدشده درباره «دیگری اسلامی» بخشی از سازوکار گسترده‌تری بود که در آن کلیسا مفهوم «بدعت» را برای تحکیم اقتدار الهیاتی و سیاسی خود بازتعریف می‌کرد (Ames, 2015). چنین چارچوبی نشان می‌دهد که رویکرد مترجمان لاتینی قرآن، به‌ویژه پطرس مُعَظَّم، نه از سر بی‌طرفی علمی، بلکه برخاسته از ساختار کلان‌تری بود که اسلام را اساساً خصم الهیاتی و تهدیدی عقیدتی می‌دید.

انتخاب مترجمان، نوع متون گردآوری‌شده و شیوه تنظیم «مجموعه تولدو»[1] نیز همگی

---

۱. مجموعه تولدو یا Corpus Toletanum عنوانی است که پژوهشگران مدرن به مجموعه‌ای از ترجمه‌ها و رساله‌های ضداسلامی داده‌اند که به ابتکار پطرس مُعظَّم (Peter the Venerable) و توسط گروهی از مترجمان لاتینی در سال‌های ۱۱۴۲-۱۱۴۳ در اندلس تهیه شد. این مجموعه شامل نخستین ترجمه کامل قرآن به لاتین به دست رابرت کتونی (Robert of Ketton)، همراه با متونی درباره زندگی پیامبر اسلام، نقدهای الهیاتی و رساله مناظره‌ای «Apology of al-Kindi»است. هدف از این مجموعه نه شناخت بی‌طرفانه اسلام، بلکه فراهم‌آوردن ابزارهایی برای مناقشه دینی، تبشیر و تقویت دفاعیات کلیسا در برابر گسترش اسلام بود. پژوهشگران مانند Lewis و Negru تأکید کرده‌اند که ساختار این مجموعه عمداً به‌گونه‌ای انتخاب شده بود که اسلام را در بدترین تصویر ممکن ارائه کند.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

نشان می‌دهد که این پروژه اساساً بـرای اسـتفاده در مناقشـات الهیـاتی و دفاعیـات دینـی طراحی شده بود، نه برای ایجاد فهم متقابل میان مسیحیان و مسـلمانان (Kritzeck, 1964, pp. 24–32; Elgindy & Sanchez, 2024)

گفتنی است دامنه پروژه کلونی به ترجمه قرآن –که با عنوان جدلی و تحقیرآمیـز Lex Mahumet pseudoprophete منتشر شد – محدود نبود. پطرس مُعظَّم بـرای آنکـه مواجهـه مسیحیان با اسلام فقط بر یک متن استوار نباشد، مجموعه‌ای از آثار متنوع و مؤثر اسـلامی را نیز بـرای ترجمـه برگزیـد. از جملـه آثـار مهـم ایـن مجموعـه مـی‌تـوان بـه Fabulae Saracenorum مجموعه‌ای از روایات و حکایات درباره زندگی پیامبر اسـلام، (Apology of al-Kindi) رساله‌ای طولانی و جدلی از یک مسیحی عرب‌زبان در نقد اسـلام)، و دیگـر متونی درباره عقاید، تاریخ، احکام و سیره اسلامی اشاره کرد. این رویکرد نشان می‌دهد که هدف پروژه نه فهم اسلام، بلکه ساختن یک چارچوب معرفتی برای نقـد و ابطـال آن بـود؛ چارچوبی که بعدها در بسیاری از نوشته‌های ضداسلامی اروپای قرون وسـطی و رنسـانس تأثیرگذار شد (Kritzeck, 1964, pp. 16–22, 26–29).

در مجموع، پروژه ترجمه قرآن به ابتکار و دستور پطرس مُعظَّم در دهه ۱۱۴۰ میلادی، نخستین تلاش سازمان‌یافته غرب لاتینی برای ترجمه کامل قرآن و گـردآوری مجموعـه‌ای از متون اسلامی بود. این طرح در طُلیطله، مرکز تبادل علمی میـان مسـلمانان، مسـیحیان و یهودیان، اجرا شـد و مجموعـه حاصـل بعـدها بـا نـام Corpus Cluniacense یـا Corpus Toletanum شناخته شد. پروژه، با پشتیبانی مالی و نهادی دیر کلونی، نقطه آغـاز مواجهـه متنی اروپا با اسلام به‌شمار می‌آید.(Martínez Gázquez, 2012, pp. 39–42)

مجموعه ترجمه‌ها شامل متون کلیدی زیر بود تا تصویری جامع از اسـلام بـه خواننـده اروپایی ارائه دهد:

۱. قرآن (Lex Mahumet pseudoprophete) ترجمه شده توسط رابرت کتونی، مهم‌تـرین بخش مجموعه.

۲. افسانه‌های ساراسن‌ها (Fabulae Saracenorum) مجموعه‌ای از روایات و داستان‌های

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

اسلامی، ترجمه رابرت کتونی.

۳. کتاب پیدایش محمد (Liber generationis Mahumet) درباره زندگی و نسب پیامبر اسلام، ترجمه هرمان دالماتی.

۴. تعالیم محمد (Doctrina Mahumet) پرسش و پاسخ‌های کلامی، ترجمه هرمان دالماتی.

۵. رساله الکندی (Rescriptum Christiani) اثر جدلی مسیحی – اسلامی، ترجمه تیم پطرس طلیطله‌ای و پطرس پواتیه‌ای.

این مجموعه، با ترکیب متون قرآنی، تاریخی و جدلی، نه تنها زمینه شناخت قرآن و اسلام را فراهم می‌کرد، بلکه پایه‌ای برای نقد و جدل‌های الهیاتی غرب لاتین علیه اسلام بود (Kritzeck, 1964, pp. 73–112).

۶. پیوند آثار ضداسلامی و ضدیهودی پطرس مُعظَّم: یک برنامه جدلی واحد

مطالعه دقیق رساله *Against the Inveterate Obduracy of the Jews* (بر ضدّ لجاجت دیرینه یهودیان)[۱] در ویرایش و ترجمه انتقادی ایرون رسنیک[۲] نشان می‌دهد که آثار ضداسلامی پطرس مُعظَّم را نمی‌توان به‌صورت مستقل یا موردی تحلیل کرد. به‌گفته رسنیک، نوشته‌های جدلی پطرس علیه بدعت‌گذاران مسیحی، یهودیان و مسلمانان، همگی بخشی از یک «برنامه جدلی واحد» را تشکیل می‌دهند که هدف آن مقابله با مهم‌ترین چالش‌های الهیاتی و نهادیِ مسیحیت لاتینی در قرن دوازدهم بوده است. در این چارچوب، اسلام و یهودیت نه به‌عنوان ادیانی مستقل، بلکه همچون اشکال گوناگون «انحراف از

---

۱. رساله Against the Inveterate Obduracy of the Jews نوشته پطرس مُعظَّم، متنی جدلی و الهیاتی است که در قرن دوازدهم میلادی تدوین شد و بر نقد اعتقادات یهودیان تمرکز دارد. این رساله بخشی از یک برنامه جدلی واحد است که شامل نقد اسلام و دیگر «بدعت‌ها» نیز می‌شود و هدف آن، فراهم آوردن ابزار استدلالی و دفاعی برای متکلمان مسیحی به منظور مقابله با چالش‌های الهیاتی و نهادی مسیحیت است. در این چارچوب، یهودیت و اسلام نه به‌عنوان ادیانی مستقل، بلکه به‌عنوان انحرافاتی هم‌سنخ از حقیقت مسیحی دیده می‌شوند. این رساله نشان‌دهنده رویکرد پطرس برای انتقال مبارزه با «دیگری دینی» از میدان جنگ به عرصه فکری و متنی است.

2. I. M. Resnick.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

حقیقت مسیحی» و تهدیدهایی هم‌سنخ برای ایمان و اقتدار کلیسا فهم می‌شوند (Peter the Venerable, 2013, Introduction, pp. 7–8).

این هم‌سنخی مفهومی زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم پطرس مُعظَّم نگارش رساله ضدیهودی خود را تقریباً هم‌زمان با تکمیل *Summa totius haeresis Saracenorum* (خلاصه کامل بدعت ساراسن‌ها) و پس از دسترسی به متون اسلامی ترجمه‌شده آغاز کرد. رسنیک تصریح می‌کند که این هم‌زمانی تصادفی نیست، بلکه نشان می‌دهد پروژه ترجمه قرآن و تألیف ردیه‌های ضداسلامی، بخشی از راهبردی گسترده‌تر بوده که هم‌زمان یهودیت و اسلام را به‌عنوان «دیگری دینی» هدف قرار می‌داد (Peter the Venerable, 2013, Introduction, p. 10)

در این دستگاه فکری، اسلام به‌روشنی در کنار دیگر بدعت‌ها قرار می‌گیرد و با استعاره‌هایی پزشکی و زیست‌شناختی توصیف می‌شود. پطرس، اسلام را همانند «طاعون» یا «اخلاط فاسد» می‌داند که بخشی از بدن جهان را آلوده کرده‌اند، در حالی‌که مسیحیت به‌مثابه «دارویی شفابخش» معرفی می‌شود که مأموریت آن درمان کل پیکره جهان است. این زبان استعاری نشان می دهد که مواجهه پطرس با اسلام نه بر مبنای گفت‌وگو یا فهم متقابل، بلکه در چارچوب تشخیص، دفع و حذف یک بیماری الهیاتی صورت می‌گیرد (Peter the Venerable, 2013, Introduction, pp. 42–43).

نکته مهم دیگر آن است که تأکید پطرس بر «کلام» در برابر «شمشیر» به معنای پذیرش گفت‌وگوی برابر یا رویکردی کثرت‌گرایانه نیست. در منطق الهیاتی او، نه عقل فلسفی، نه قدرت سیاسی، نه اجبار و نه لذت، هیچ یک قادر به اثبات حقانیت یک دین نیستند؛ بلکه تنها «معجزه» نشانه حقیقی تأیید الهی است. پطرس با تکیه بر همین معیار، گسترش اسلام را فاقد پشتوانه معجزه‌آسا دانسته و آن را نشانه‌ای از حقانیت الهی تلقی نمی‌کند. از این‌رو، «کلام» در پروژه او ابزاری برای اثبات برتری مسیحیت است، نه زمینه‌ای برای گفت‌وگوی الهیاتی (Peter the Venerable, 2013, Introduction, pp. 42–44).

رسنیک همچنین نشان می‌دهد که لحن آثار پطرس، به‌ویژه در بخش‌های پایانی رساله ضدیهودی، به مرور تندتر و خشن‌تر می‌شود؛ تغییری که با فضای سیاسی – دینی جنگ

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

صلیبی دوم هم‌زمان است. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که تشدید زبان جدلی پطرس را باید در پیوند با بافت تاریخیِ خشونت‌آمیز سده دوازدهم و نگرانی‌های فزاینده کلیسا از تهدیدهای بیرونی تحلیل کرد (Peter the Venerable, 2013, Introduction, pp. 29–30).

در نهایت، تحلیل ساختار استدلالی پطرس نشان می‌دهد که او از منطقی واحد در نقد یهودیت و اسلام بهره می‌گیرد. همان الگوی استدلالی که برای رد یهودیت به کار می‌رود – شامل ارجاع به اقتدار متون، عقل، و به‌ویژه معجزه – بی‌واسطه به اسلام نیز تعمیم داده می‌شود. در این چارچوب، اسلام همچون «فرقه» یا «بدعتی» معرفی می‌شود که فاقد نشانه‌های الهیِ حقانیت است. این همسانی روش‌شناختی به‌روشنی نشان می‌دهد که نقد اسلام در اندیشه پطرس امتداد مستقیم نقد او بر یهودیت است و هر دو در دل یک دستگاه مفهومی واحد شکل گرفته‌اند (Peter the Venerable, 2013, Introduction, pp. 68–70).

۷. انگیزه‌ها و روش پطرس مُعظَّم در ترجمه قرآن: از دسترسی متنی تا جدل الهیاتی

تحلیل آثار گردآمده در Writings Against the Saracens نشان می‌دهد که پروژه ترجمه قرآن به ابتکار پطرس مُعظَّم از آغاز در چارچوبی کاملاً هدفمند تعریف شده بود. پطرس در نامه‌ای که برای برنارد کلروو – چهره شاخص اصلاح دینی و مبلغ جنگ‌های صلیبی – نگاشت، انگیزه خود از این پروژه را آشکارا بیان می‌کند. او ترجمه قرآن را نه تلاشی برای گفت‌وگوی میان‌دینی، بلکه اقدامی ضروری برای مقابله با آنچه «بدعت بسیار بد و شریرانه محمد» می‌نامد، معرفی می‌کند و تصریح می‌سازد که این ترجمه به دست افرادی انجام شده که بر هر دو زبان عربی و لاتینی تسلط داشته اند تا امکان نقدی دقیق و مستند فراهم آید (Peter the Venerable, 2016, p. 28).

در همین نامه، پطرس از ترجمه قرآن و متون همراه آن به‌عنوان بخشی از یک «زرادخانه مسیحی» یاد می‌کند؛ استعاره‌ای آشکارا نظامی که نشان می‌دهد او دانش

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

تولیدشده درباره اسلام را به‌منزله سلاحی فکری بـرای دفـاع از ایمـان مسـیحی و حملـه الهیاتی به اسلام می‌فهمید. از نظر او، همان‌گونه که کلیسا در برابر دشمنان نظـامی بـه ابـزار جنگی نیاز دارد، در برابر اسلام نیز باید به ابزارهای متنی و استدلالی مجهز شود(Peter the Venerable, 2016, p. 31).

با این حال، پطرس به‌روشنی میان این راهبرد و خشونت نظامی تمایز می‌نهـد و تأکیـد می‌کند که مواجهه مطلوب با اسلام نه از طریق شمشیر، بلکه از راه «کلام و عقل» صـورت می‌گیرد. او در نامه خود به برنارد تصریح می‌کند که قصد دارد مسلمانان را «نه بـا سـلاح، بلکه با کلمات؛ نه با زور، بلکه با عقل؛ و نه در نفرت، بلکه در عشق» مخاطب قـرار دهـد (Peter the Venerable, 2016, p. 75). با این همه، این «عشـق» بـه‌هـیچ‌وجـه بـه معنـای پذیرش اسلام یا گفت‌وگویی برابر نیست، بلکه در چارچوب الهیات تبشیری فهم می‌شـود؛ یعنی تلاشی برای بازگرداندن گمراهان به حقیقت مسیحیت.

این چارچوب جدلی در نخستین محصول پروژه ترجمه، یعنی Summa totius haeresis Saracenorum، به‌روشنی نمایان است. در این متن، پطرس اسلام را نه دینی مسـتقل، بلکـه ترکیبی انحرافی از آموزه‌های یهودی و بدعت‌های مسیحی معرفی می‌کند. او ادعا می‌کند که محمد تحت تأثیر راهبی نسطوری به نام سرجیوس و نیز «افسانه‌های یهودی» قرار داشـته و قرآن را از آمیزش این عناصر با «مهملات بدعت‌گذاران» پدیـد آورده اسـت (Peter the Venerable, 2016, p. 40). بدین‌ترتیب، اسلام در نگاه او نه وحی‌ای تـازه، بلکـه انحرافـی ثانوی و فاقد اصالت الهی است.

پطرس در همین اثر، تصویری کاملاً منفی از شخصیت پیامبر اسلام ارائه می‌دهد و او را فردی با تباری پست معرفی می‌کند که با زیرکی و بهره‌گیـری ابـزاری از دیـن، از فقـر بـه قـدرت و شـهرت دسـت یافـت (Peter the Venerable, 2016, p. 38). ایـن تصویرسـازی کاریکاتوری، در خدمت بی‌اعتبارسازی نبوت رسول خدا(ص) و تضعیف بنیـان‌هـای الهـی اسلام قرار دارد. از همین منظر، پطرس با تأکید بر فقدان معجزات در اسلام، نبوت پیامبر را رد می‌کند و وعده‌های اخروی قرآن – به‌ویژه توصیف‌های بهشت – را نشانه‌ای از نـاتوانی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

اسلام در ارائه شواهد عینی و الهی می‌داند .(Peter the Venerable, 2016, p. 146)

این رویکرد در اثـر مفصـل‌تـر Contra sectam sive haeresim Saracenorum بـه اوج می‌رسد؛ جایی که پطرس روش‌شناسی جدلی خـود را بـه‌طـور کامـل بسـط مـی‌دهـد. او استدلال می‌کند که مؤثرترین راه نقد اسلام، استفاده از خودِ متون اسلامی – به‌ویژه قرآن – علیه آن است. پطرس با اشاره به این که قرآن در مواردی کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان را تأیید و در مواردی دیگر آن‌ها را رد می‌کند، این ناسازگاری را نشانه‌ای از عدم اصـالت وحیانی قرآن می داند و نتیجه می گیرد که اگر بخشی از آن نادرست باشـد، کـل آن اعتبـار خود را از دست می‌دهد.(Peter the Venerable, 2016, pp. 102, 157)

از نگاه پطرس، حتی فرمان اسلام به پرهیز از مجادله با اهل کتاب نیز خود گـواهی بـر ضعف آن است. او با نقل این حکم که «بهتر است بکشید تا بحث کنید»، استدلال می‌کند که حقیقت نیازی به پنهان‌کاری یا اجتناب از گفت‌وگو ندارد، بلکه ذاتاً آشکار، آزاد و گریـزان از تاریکی است. از این‌رو، منع بحث و جدل را نشانه‌ای از ناتوانی اسلام در دفـاع عقلانـی از آموزه‌های خود می‌داند .(Peter the Venerable, 2016, pp. 83–85)

مجموع این شواهد نشان می‌دهد که پروژه ترجمه قرآن در اندیشـه پطـرس مُعظَّـم، نـه گامی به سوی شناخت بی‌طرفانه اسلام، بلکه بخشی از راهبردی ایدئولوژیک بـرای تولیـد ادبیات جدلی، تجهیز الهیات مسیحی و تثبیت برتری مسیحیت لاتینی بود. ترجمه قـرآن در این چارچوب، ابزاری برای ردیه‌نویسی و منازعه الهیاتی به‌شمار مـی‌رفـت؛ پـروژه‌ای کـه هرچند ناخواسته راه را برای مطالعات بعدی قرآن در غرب گشود، اما در خاسـتگاه خـود عمیقاً در منطق تقابل، بدعت‌ستیزی و تبشیر ریشه داشت.

۸. ترجمه قرآن در سده دوازدهم: ابزاری جهت‌دار برای مسیحیت لاتینی

براساس آن چه بیان شد، پطرس مُعظَّم با بهره‌گیری از پشتوانه گسترده مـالی، نهـادی و شبکه نفوذ دیر کلونی، پروژه‌ای فراگیر و سازمان‌یافته برای ترجمه و مطالعه متون اسـلامی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

پایه‌گذاری کرد که بعدها با عنوان «مجموعه کلونی» (Corpus Cluniacense) یا «مجموعه تولدویی» (Corpus Toletanum) شناخته شد. این پروژه نخستین تلاش هدفمند و منسجم اروپای لاتینی برای دسترسی مستقیم به منابع اسلامی بود و برخلاف برداشت‌های ساده‌انگارانه، صرفاً یک ترجمه منفرد از قرآن نبود، بلکه طرحی چندلایه، جدلی و نظام‌مند برای تولید دانشی ضداسلامی در چارچوب الهیات مسیحی به شمار می‌رفت. نخست، ترکیب مترجمان خود گویای این رویکرد است. همه اعضای اصلی گروه از جمله رابرت کتونی[1] و هرمان دالماتی[2] از رجال کلیسا و پرورش‌یافتگان سنت لاتینی بودند. آنان در نوشته‌های خود اسلام را «بزرگ‌ترین بدعت» می‌خواندند و با پیش‌فرض‌های ضداسلامی مشترک دست به کار شدند. انتخاب چنین گروهی، که هیچ‌یک سابقه تعامل علمی بی‌طرفانه با فرهنگ اسلامی نداشتند، نشان می‌دهد که هدف اولیه نه فهم قرآن، بلکه تولید متونی برای کاربردهای جدلی و تبشیری بوده است.

محوری‌ترین عضو این تیم، رابرت کتونی[3]، محقق انگلیسی بود که پیش از آن در اسپانیا به تحقیق در زمینه نجوم و ریاضیات عربی اشتغال داشت. پطرس با پرداخت دستمزدی قابل توجه، او را متقاعد کرد تا مطالعات شخصی خود را موقتاً کنار گذاشته و مسئولیت خطیر ترجمه قرآن را بر عهده بگیرد. ترجمه او، که نخستین نسخه کامل قرآن به زبان لاتین به شمار می‌رود، کاملاً تحت‌اللفظی نبود؛ بلکه او در مواردی متعددی، برای انتقال بهتر مفاهیم به خواننده مسیحی، دست به تغییرات تفسیری می‌زد.

در کنار او، هرمان دالماتی[4]، یکی دیگر از محققان حوزه نجوم، وظیفه ترجمه دو متن دیگر از مجموعه را بر عهده گرفت. پطرس طلیطله‌ای[5] نیز به دلیل تسلط کامل بر زبان عربی، به عنوان دستیار اصلی و مشاور زبانی سایر مترجمان فعالیت می‌کرد. وظیفه ویرایش نهایی و روان‌سازی متون لاتین بر عهده پطرس پواتیه‌ای[6]، منشی و دستیار نزدیک خود

1. Robert of Ketton.
2. Herman of Dalmatia.
3. Robert of Ketton.
4. Herman of Dalmatia.
5. Peter of Toledo.
6. Peter of Poitiers.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

پطرس معظم، بود.

نکته قابل توجه در ترکیب این تیم، حضور یک فرد مسلمان به نام محمد بود. پطـرس بـرای حصول اطمینان از ترجمه‌ها، از او در این پروژه بهره گرفت .(Kritzeck, 1964, pp. 51-69)

در گام بعد، ساختار مجموعه تولدو – که به‌عنوان نخسـتین مجموعـه سـازمان‌یافتـه از ترجمه‌های اسلامی به لاتین شناخته می‌شود – نیـز ایـن جهـت‌گیـری را تأییـد مـی‌کنـد. پژوهشگرانی همچون نگرو[1] و لوئیس[2] نشان داده‌اند که این مجموعه به‌گونـه‌ای گـزینش و تنظیم شده بود که اسلام را در نامطلوب‌ترین تصویر ممکن نمـایش دهـد: انتخـاب متـونی خاص، چینش هدفمند بخش‌ها، و حذف زمینه‌های اصیل الهیاتی یـا تفسـیری، همگـی در خدمت ساختن روایتی خصمانه و اثبات‌گرایانه از اسلام قرار داشت.

این جهت‌گیری در آثار خود پطرس مُعظَّم نیز آشکار است. او در رساله Summa totius haeresis Saracenorum[3] تصویری کاملاً تحقیرآمیز و کاریکاتوری از پیامبر اسلام(ص) ارائه می‌کند؛ تصویری که نه بر مطالعه بی‌طرفانه منابع اسلامی، بلکه بر الگوهـای دیرپـای جـدل مسیحی و روایت‌های تحریف‌شده استوار است. این متن نشان می‌دهد کـه هـدف اصـلی او

1. Negru.
2. Lewis.

۳. رساله Summa totius haeresis Saracenor*um* یکی از مهم‌ترین متون جدلی پطرس مُعظَّم اسـت کـه پـس از پـروژه ترجمه قرآن تألیف شد. او در این رساله، که عنوان آن به‌معنای «خلاصه تمام بدعت‌های مسـلمانان» اسـت، تصـویری تحقیرآمیز و کاریکاتوری از پیامبر اسلام(ص) ارائه می‌کند و اسلام را نه یک دین مسـتقل، بلکـه «بـدعتی» منحـرف از مسیحیت معرفی می‌سازد. این متن بر پایه مطالعه بی‌طرفانه منابع اسلامی نوشته نشده، بلکه ادامه سـنت دیرپـای جـدل مسیحی است و هدف آن فراهم‌کردن چارچوبی الهیاتی برای نقد و بی‌اعتبارسازی اسلام در سنت لاتینی بوده است.

نام رساله پطرس مُعظَّم، Summa totius haeresis Saracenorum، در ترجمه دقیق به فارسی به معنای «خلاصه کامـلِ بدعت‌های مسلمانان» است. انتخاب این عنوان خود نشان می‌دهد که پطرس از همان آغاز با پـیش‌فـرض «بـدعت بودن» اسلام به سراغ آن رفت و رویکرد او ماهیتی کاملاً جدلی و انتقادی داشت؛ زیرا حتی در نام‌گـذاری اثـر نیـز اسلام را نه یک دین مستقل، بلکه مجموعه‌ای از «بدعت‌ها» تلقی کرده است.

واژه Saracenorum در عنوان رساله پطرس مُعظَّم، شکلِ مضاف‌الیهِ لاتینیِ واژه Saraceni است که در متون مسـیحی قرون میانه به‌عنوان نامی کلی و غیر دقیق برای مسلمانان به کار مـی‌رفـت .ایـن واژه بـار معنـایی منفـی داشـت و مسلمانان را نه به‌عنوان یک جامعه دینی مشخص، بلکه به‌عنوان گروهی «دیگری‌سازی‌شده» و بیرون از سنت حـق مسیحی تصویر می‌کرد. به‌کارگیری این اصـطلاح در عنـوان رسـاله Summa totius haeresis Saracenorum خـود نشانه‌ای روشن از رویکرد جدلی و پیش‌داورانه پطرس نسبت به اسلام است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

نقد الهیاتی اسلام و بی‌اعتبارسازی پیامبر در منظومه فکری مسیحیت لاتینی بود.

مجموع این شواهد به‌روشنی نشان می‌دهد که پروژه ترجمه کلونی نه یک فعالیت علمی در پی شناخت بلکه یک برنامه جهت‌دار سازمان‌یافته برای تثبیت برتری مسیحیت و تجهیز کلیسا در برابر نفوذ روزافزون اسلام بود (Elgindy & Sanchez, 2024)

آنتونی پیم[1] با واکاوی دقیق زمینه‌های سیاسی و اقتصادی اسپانیای سده دوازدهم نشان می‌دهد که ابتکار پطرس مُعظَّم برای ترجمه لاتینی قرآن در سال ۱۱۴۲، برخلاف تصور رایج که آن را صرفاً اقدامی الهیاتی می‌انگارد، ریشه‌ای عمیق در مناسبات مالی و منافع اقتصادی دیر کلونی داشت. پیم توضیح می‌دهد که پطرس در میانه جنگ‌های بازپس‌گیری اندلس به اسپانیا سفر کرد تا سهم دیر کلونی از عواید و غنائم مناطق تازه فتح شده را مطالبه کند؛ مطالبه‌ای که پیش‌تر در تعهدات پادشاه کاستیل نیز تصریح شده بود[2]. به بیان دیگر، مأموریت پطرس تنها یک سفر دینی یا مناظره‌ای نبود، بلکه بخشی از چانه‌زنی‌های اقتصادی دیر کلونی با قدرت‌های مسیحی اسپانیا به‌شمار می‌رفت. پیم تأکید می‌کند که ترجمه قرآن در چنین بستری، جزئی از یک راهبرد گسترده‌تر بود؛ راهبردی که طی آن پطرس می‌کوشید هم جایگاه فکری و سیاسی دیر کلونی را در برابر اسلام تقویت کند و هم نفوذ اقتصادی و برون‌فرقه‌ای این دیر را در اسپانیا تثبیت نماید (Pym, 1994, pp. 57-58).

---

1. Anthony Pym.

۲. سفر پطرس مُعظَّم به اسپانیا در دهه ۱۱۴۰ در بستر جنگ‌های پادشاهان مسیحی کاستیل و لئون برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اندلس انجام شد. پادشاهان این مناطق پیش‌تر تعهد داده بودند که بخشی از عواید و مالیات سرزمین‌های تازه‌فتح‌شده را به دیر کلونی بپردازند؛ ازاین‌رو مأموریت پطرس عمدتاً با هدف مطالبه این حقوق مالی و تقویت جایگاه اقتصادی و سیاسی دیر کلونی در اسپانیا صورت گرفت. گفتنی است در میانه سده دوازدهم، صحنه سیاسی کاستیل و لئون به‌شدت تحت تأثیر جنگ‌های مداوم با امیرنشین‌های مسلمان اندلس بود؛ جنگ‌هایی که اُکالاگان آن‌ها را نه صرفاً نبردهای مذهبی، بلکه رقابت‌هایی پیچیده بر سر مالیات، غنائم، زمین و کنترل راه‌های بازرگانی توصیف می‌کند. پادشاهانی مانند آلفونسوی هفتم برای تأمین هزینه ارتش‌های بزرگ خود ناگزیر به ائتلاف با نهادهای کلیسایی، به‌ویژه دیرها و صومعه‌های قدرتمند، بودند و همین امر موجب شد که سهم‌دادن از عواید سرزمین‌های بازپس‌گرفته‌شده به‌صورت یک تعهد سیاسی – مالی تثبیت شود (O'Callaghan, 2003). در چنین فضایی، سفر پطرس مُعظَّم به اسپانیا امری کاملاً قابل‌فهم است: او وارد سرزمینی شد که فتح و بازپس‌گیری در آن مستقیماً با بازتوزیع درآمد، باج، خراج و غنائم پیوند داشت، و دیر کلونی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی این شبکه مالی، مطالبه‌گر سهم خود از این چرخه قدرت و ثروت بود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

از نگاه پیم، پیوند میان انگیزه‌های مالی، رقابت‌های سیاسی و پروژه ترجمه قرآن به‌وضوح نشان می‌دهد که این ترجمه صرفاً اقدامی دینی نبود، بلکه ابزاری راهبردی در مدیریت منافع کلونی و مواجهه با اسلام در سطحی فراتر از یک کنجکاوی الهیاتی بود (Pym, 1994, p. 57). هرچند پطرس هدف خود را در قالب یک «مناظره الهیاتی» تعریف می‌کرد، اما منظور او از مناظره، دستیابی به «فهم متقابل» نبود؛ بلکه تجهیز دستگاه فکری مسیحی برای مقابله با اسلام و تولید ادبیاتی سازمان‌یافته علیه آن بود. بر همین اساس، ترجمه قرآن در کنار مجموعه‌ای از متون تفسیری و ضداسلامی سامان یافت (Pym, 1994, pp. 58–59).

پیم همچنین نشان می‌دهد که مترجمان – از جمله رابرت کتونی و هرمان دالماتی[1] – تمایل چندانی به مشارکت در این پروژه نداشتند. او تصریح می کند که پطرس با اصرار بسیار و هزینه فراوان آنان را به همکاری واداشت (Pym, 1994, pp. 57, 59, 60–62)؛ نکته‌ای که حاکی از آن است که این ترجمه، از منظر مترجمان، پروژه‌ای جذاب یا داوطلبانه نبود. با وجود این بی‌میلی، تیم ترجمه در نهایت تشکیل شد و نخستین ترجمه کامل قرآن به لاتین به دست کتونی و دیگران تهیه گردید.

پیم در جمع‌بندی خود تأکید می‌کند که این ترجمه نه اقدامی دینیِ منفک و بی‌ارتباط با تحولات پیرامونی، بلکه بخشی از فرایند پیچیده انتقال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میان اسلام و مسیحیت بود؛ فرایندی که در خدمت اهدافی چندگانه همچون کسب اعتبار، تولید سلاح‌های ایدئولوژیک و تأمین منافع اقتصادی قرار داشت (Pym, 1994, pp. 60–62).

گفتنی است ترجمه لاتینی قرآن که در سده دوازدهم به دست رابرت کتونی و در چارچوب برنامه فکری پطرس مُعظَّم تهیه شد، برای چندین قرن اصلی‌ترین و پرخواننده‌ترین منبع اروپاییان لاتین‌زبان برای شناخت قرآن بود. این ترجمه، که از ابتدا با نگاهی آشکارا جدلی و در خدمت نقد اسلام شکل گرفته بود، در میانه سده شانزدهم بار دیگر احیا شد و در سال ۱۵۴۳ در شهر بازلِ سوئیس به چاپ رسید؛ رخدادی که می‌توان

1. Herman of Dalmatia.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

آن را نقطه عطفی در تاریخ مواجهه مسیحیت غربی با قرآن دانست. پیشبرد این چاپ بر عهده تئودور بیبلیاندر[1]، الهی‌دان اصلاح‌گر پروتستان، بود. از نگاه او، نقد مؤثر بر اسلام تنها زمانی ممکن است که مسیحیان قرآن را مستقیماً بشناسند؛ بنابراین انتشار ترجمه کتونی را یک ضرورت الهیاتی می‌دید. مقدمه طولانی و کاملاً جدلی او بر این چاپ به‌خوبی نشان می‌دهد که هدف اصلی، آماده‌سازی خواننده برای یک مواجهه آگاهانه و انتقادی با قرآن بوده است. به همین دلیل، چاپ ۱۵۴۳ نه یک کار بی‌طرفانه، بلکه تلاشی هدفمند برای ارائه تصویری جدلی از قرآن و تبدیل آن به ابزاری آموزشی برای مسیحیان بود.

با این همه، چاپ قرآن – حتی در قالب لاتینی و در چارچوبی ضداسلامی – در دهه ۱۵۴۰ اقدامی ساده و پذیرفتنی نبود. وضعیت سیاسی و مذهبی بازل نشان می‌دهد که عرضه چنین متنی با حساسیت و مخالفت همراه بود و پیشبرد آن نیازمند جلب نظر مقامات شهری بود. پیچیدگی فرایند اخذ مجوز انتشار گواه آن است که قرآن کریم در فرهنگ مسیحی آن دوره موضوعی حساس و چالش‌برانگیز تلقی می‌شد. در این مرحله نقش مارتین لوتر اهمیت تعیین‌کننده پیدا کرد. او یکی از حامیان اصلی انتشار قرآن بود و نقش کلیدی در صدور مجوز چاپ ایفا کرد. گرچه سخنان تند او درباره قرآن در این کتاب نقل نشده، اما روشن است که بدون نفوذ و پشتیبانی او ادامه پروژه بیبلیاندر ممکن نمی‌شد. سرانجام نسخه لاتینی قرآن در سه مجلد منتشر شد و به سرعت جایگاه خود را در سراسر اروپا یافت. این چاپ در سده‌های بعدی بیش از هر منبع دیگری، برای مطالعه قرآن به کار گرفته شد و تا پیش از پدید آمدن ترجمه‌های جدید در سده‌های هفدهم و هجدهم، مهم‌ترین منبع اروپایی برای شناخت قرآن بود. بدین ترتیب، ترجمه قرون وسطایی رابرت کتونی در بستر رنسانس و اصلاحات معنایی تازه یافت و به محور اصلی مطالعات قرآنی لاتینی بدل شد (Burman, 2007, pp. 110–112).

1. Theodor Bibliander.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

۹. میراث دوگانه پروژه کلونی: کیفیت ترجمه و نقدها

جرج سیل – با وجود آن ترجمه‌اش از قرآن خود با نقدهای فراوان روبه‌روست و بسیاری از پژوهشگران آن را آمیخته به سوءبرداشت‌ها و پیش‌فرض‌های الهیاتی می‌دانند – در مقدمه مشهور خود با عنوان "To the Reader"، رویکردی تند و انتقادی نسبت به ترجمه‌های پیشین قرآن – و به‌ویژه نسخه لاتینی رابرت کتونی – اتخاذ می‌کند. او این ترجمه‌ها را به‌جای آنکه تلاشی علمی برای فهم متن مقدس بدانَد، آثاری مغرضانه و نادقیق می‌خواند که تصویری تحریف‌شده و کاریکاتورگونه از قرآن ارائه کرده‌اند. سیل تصریح می‌کند که این ترجمه‌ها، به‌ویژه ترجمه لاتین سده دوازدهم، چنان پوچ و مضحک و از معنای اصلی دورند که نه‌تنها نمی‌توانند مبنایی برای فهم قرآن باشند، بلکه عملاً برای بدنام کردن اسلام ساخته شده‌اند، نه برای شناخت آن.

او اضافه می‌کند که ترجمه‌های موجود مملو از افسانه‌های بی‌اساس و خطاهای فراوان هستند؛ به‌گونه‌ای که اگر خواننده‌ای بخواهد بر اساس این نسخه‌ها به قرآن نزدیک شود، تصویر حاصل چیزی جز مجموعه‌ای از اشتباهات لفظی و معنایی نخواهد بود. از نگاه او، مشکل اصلی در این است که هدف مترجمان پیشین، دست‌یافتن به فهمی بی‌طرفانه از متن نبوده، بلکه آنان آگاهانه در پی آن بوده‌اند که با ردّ و بی‌اعتبار کردن قرآن، ابزارهایی جدلی برای مباحثات الهیاتی مسیحی فراهم کنند.

بنابراین، سیل ترجمه‌های پیشین را نه به‌عنوان کوشش‌های علمی، بلکه به‌عنوان نوشتارهایی جهت‌دار می‌نگرد که بیش از آنکه زبان قرآن را منتقل کنند، پیش‌داوری‌های دینی و خصومت‌های دیرینه با اسلام را منعکس کرده‌اند (Sale, 1870, Introduction).

ارزیابی تاریخی پروژه کلونی نشان می‌دهد که این طرح میراثی دوگانه بر جای گذاشت: از یک سو نقطه عطفی علمی و تاریخی بود، زیرا ترجمه رابرت کتونی – با وجود نارسایی‌ها و تحریف‌هایش – برای حدود چهار قرن ترجمه استاندارد قرآن در اروپا محسوب می‌شد و بنیان مطالعات اسلامی در غرب لاتین را فراهم ساخت. این پروژه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

نخستین تلاش ساختاریافته جهان مسیحی برای مواجهه با اسلام از طریق متون اصلی بود، هرچند هدف اولیه آن نه شناخت بلکه زمینه‌سازی برای نقد و رد اسلام بود. از این‌رو، پروژه کلونی را می‌توان پیش‌درآمد قرآن‌پژوهی غربی دانست؛ زیرا برای نخستین‌بار امکان مواجهه مستقیم – هرچند تحریف‌شده و کاملاً جدلی – با متن قرآن را در جهان مسیحی فراهم کرد. همین دسترسی حداقلی اما بی‌سابقه، زمینه‌ساز شکل‌گیری پژوهش‌های علمی، فیلولوژیک و الهیاتی غرب درباره قرآن در سده‌های بعد شد. اهمیت این پروژه حتی در دوران معاصر نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنان‌که پاپ بندیکت شانزدهم در سخنرانی عمومی خود در سال ۲۰۰۹، پطرس مُعظَّم را شخصیتی معرفی کرد که برای افزایش شناخت نسبت به مسلمانان، زمینه ترجمه قرآن را فراهم کرد (Benedict XVI, 2009) این اشاره نشان می‌دهد که پروژه کلونی – با وجود محدودیت‌ها و جهت‌گیری‌های جدلی آن – همچنان در حافظه تاریخی مسیحیت به‌عنوان گامی مهم در آغاز مواجهه متنی و مطالعاتی با اسلام تلقی می‌شود و الهام‌بخش بازاندیشی‌ها و گفت‌وگوهای بین‌دینی معاصر باقی مانده است.

۱۰. نتیجه و فرجام پروژه Lex Mahumet pseudoprophete (۱۱۴۳م)

ترجمه لاتینی که در نسخه‌های خطی با عنوان تحقیرآمیز Lex Mahumet pseudoprophete («قانون محمد پیامبرِ دروغین») شناخته می‌شد، به پرخواننده‌ترین نسخه قرآن در اروپای قرون وسطی و اوایل دوران جدید بدل شد؛ به‌گونه‌ای که از میانه قرن سیزدهم تا میانه قرن هفدهم، اغلب مسیحیان اروپایی هنگام مراجعه به قرآن، همین ترجمه را می‌خواندند (Burman, 2007, p. 15; Lappin, 2021, pp. 41–42)

این ترجمه، اگرچه نخستین ترجمه کامل قرآن به لاتین بود، بیش از آنکه بازتاب دقیق متن مقدس مسلمانان باشد، یک بازنویسی ایدئولوژیک و جهت‌دار به شمار می‌رود. ویژگی‌های برجسته این ترجمه عبارت‌اند از:

۱. سبک تفسیری به جای ترجمه وفادار

در مقدمه ترجمه، کتونی به پطرس می‌نویسد که هدفش فهم بهتر است و نه صرفاً ترجمه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

لفظ به لفظ. این رویکرد موجب شده ترجمه او گاهی تفسیری و گزینشی باشد و نه وفادار به ساختار و ترتیب قرآن.

۲. عدم دقت کامل و سوءبرداشت‌های متنی

به دلیل پیچیدگی زبان و مفاهیم قرآن، ترجمه کتونی خالی از اشتباه نبود و سوءبرداشت‌های متعددی در آن رخ داده است .(Kritzeck, 1964, pp. 62-65, 108-112)

۳. دخالت در ساختار و محتوای متن

کتونی در بسیاری از موارد آیات تکرارشونده را حذف، برخی آیات را ادغام و گاه ترتیب منطقی آیات را تغییر می‌دهد. این دخالت‌های ساختاری، ترجمه او را به یک روایت‌سازی مجدد تبدیل کرده و تصویری ناقص و تحریف‌شده از قرآن ارائه می‌کند.

۴. استفاده گزینشی از تفاسیر اسلامی

منابعی مانند طبری و طبرسی تنها به‌عنوان ابزار تأیید مقاصد جدلی به کار رفته‌اند، نه برای انتقال دقیق معنای متن.

۵. واژگان جهت‌دار و توضیحات جانبدارانه

انتخاب واژگان منفی و ارائه یادداشت‌ها و واژه‌نامه‌های جانبدارانه، ترجمه را از سطح انتقال معنا فراتر برده و به ابزاری برای القای داوری‌های الاهیاتی بدل کرده است (رک بدر، ۲۰۲۴، صص ۱۶۱–۲۴۷).

با این اوصاف، ترجمه کتونی بیش از آنکه یک اثر وفادار به متن اصلی باشد، یک بازنویسی هدفمند برای تقویت موضع کلیسا در مواجهه با اسلام است.

نتایج مقاله

۱. پژوهش حاضر نشان داد که نخستین مواجهه سازمان‌یافته غرب مسیحی با قرآن در قرن دوازدهم میلادی، محصولی از کنجکاوی علمی صرف نبود، بلکه برنامه‌ای هوشمندانه، هدفمند و عمیقاً جهت‌دار بود.

۲. پروژه ترجمه کلونی به ابتکار پطرس مُعظَّم، ابوت دیر کلونی، نه تنها دسترسی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

مستقیم به قرآن و متون اسلامی را برای مسیحیان لاتین فراهم آورد، بلکه با طراحی نظام‌مند و گزینش دقیق متون، چارچوبی را ایجاد کرد که قرآن و آموزه‌های اسلامی را به‌عنوان «دیگری» و تهدیدی الهیاتی برای مسیحیت بازنمایی کند.

۳. ترجمه لاتینی قرآن توسط رابرت کتونی و تیم همکاران، با بهره‌گیری از تغییرات تفسیری، ماهیت اصلی خود را به‌عنوان ابزار جدلی و دفاعیه الهیاتی حفظ کرد و نه زمینه‌ای برای گفت‌وگوی برابر یا فهم میان‌فرهنگی.

۴. تحلیل منابع و متون پروژه نشان داد که انگیزه‌های پطرس مُعظَّم چندلایه بود: از یک سو، تقویت قدرت استدلالی الهیات مسیحی و تجهیز متکلمان برای مواجهه کلامی با اسلام؛ از سوی دیگر، تضمین جایگاه فکری، سیاسی و اقتصادی دیر کلونی در اسپانیا و مقابله با نفوذ روزافزون اسلام در اروپا.

۵. نتیجه ناخواسته پروژه کلونی، ایجاد زیرساخت متنی و پژوهشی بود که راه را برای شکل‌گیری مطالعات قرآنی و اسلام‌پژوهی اروپایی در قرون بعدی هموار کرد.

۶. ترجمه لاتینی قرآن، علی‌رغم جهت‌گیری اولیه جدلی، به منبع اصلی پژوهشگران اروپایی در قرون بعد تبدیل شد و تا سده‌های هفدهم و هجدهم، جایگاه محوری خود را در بازنمایی و مطالعه قرآن حفظ کرد. چاپ دوباره آن در بازل در سال ۱۵۴۳، نمونه‌ای از استمرار میراث پروژه کلونی است.

۷. پروژه کلونی و ترجمه لاتینی قرآن دستاوردی دوگانه دارد: از یک سو، تولید دانشی جهت‌دار و تحریف‌شده در خدمت اهداف الهیاتی، تبشیری و دفاع از مسیحیت؛ و از سوی دیگر، فراهم آوردن زیرساخت پژوهشی، زبانی و متنی که امکان مطالعه دقیق‌تر، سیستماتیک و انتقادی قرآن و اسلام را در سنت اروپایی فراهم آورد.

۸. بازخوانی پروژه کلونی از این منظر، به فهم دقیق‌تر تاریخ مواجهه غرب با «دیگری اسلامی» و نقش ترجمه‌های هدفمند در شکل‌گیری نگرش‌های فرهنگی، سیاسی و الهیاتی کمک می‌کند.

۹. این مطالعه روشن می‌سازد که ریشه‌های اسلام‌شناسی اروپایی، هرچند به ظاهر علمی و نظام‌مند، از ابتدا در چارچوب تقابل، بدعت‌ستیزی و دفاع از اقتدار کلیسا شکل گرفته است.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]

کتابشناسی

۱. بدر، نشوی جمعه ضیف الله، روبرت من کیتون و ترجمة معانی القـرآن الکـریم إلـی اللاتینیـة: السـیاق و الوظیفـة و الخصائص، أوراق کلاسیکیة، العدد الحادی و العشرون، صص ۱۶۱-۲۴۷، ۲۰۲۴م.

2. Ames, C. C. (2015). Medieval Heresies: Christianity, Judaism, and Islam. Cambridge: Cambridge University Press.
3. Benedict XVI. (2009, October 14). General audience: Peter the Venerable. The Holy See. https://www.vatican.va/content/benedict-xvi/en/audiences/2009/documents/hf_ben-xvi_aud_20091014.html
4. Burman, T. E. (2007). Reading the Qur'ān in Latin Christendom, 1140–1560. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
5. Elgindy, A., & Sanchez, M. T. (2024). Habitus Entrapment: The Constrictive, Deterministic Habitus of Peter the Venerable. Arab World English Journal for Translation & Literary Studies, 8(1), 5–14. https://dx.doi.org/10.24093/awejtls/vol8no1.1
6. Fournet, P. A. (1911). Blessed Peter of Montboissier. In C. G. Herbermann (Ed.), The Catholic Encyclopedia (Vol. 10, pp. 525–526). Robert Appleton Company. http://www.newadvent.org/cathen/10525b.htm
7. Kritzeck, J. (1964). Peter the Venerable and Islam. Princeton, NJ: Princeton University Press.
8. Lappin, A. J. (2021). On the Genesis and Formation of the Corpus Cluniacense. In C. Ferrero Hernández & J. Tolan (Eds.), The Latin Qur'an, 1143–1500: Translation, Transition, Interpretation (pp. 27–56). De Gruyter.
9. Martínez Gázquez, J. (2012). «Islamolatina»: la percepción del Islam en la Europa cristiana. Medievalia, 15, 39–42.
10. O'Callaghan, J. F. (2003). Reconquest and Crusade in Medieval Spain. University of Pennsylvania Press.
11. Peter the Venerable. (2013). Against the inveterate obduracy of the Jews (I. M. Resnick, Trans.). Washington, DC: The Catholic University of America Press.
12. Peter the Venerable. (2016). Writings against the Saracens (I. M. Resnick, Trans.; The Fathers of the Church, Medieval Continuation 16). Washington, DC: The Catholic University of America Press.
13. Pym, A. (1994). Twelfth-Century Toledo and Strategies of the Literalist Trojan Horse. Target, 6(1), 43–66. https://doi.org/10.1075/target.6.1.04pym
14. Sale, G. (1870). The Koran, commonly called the Alcoran of Mohammed: Translated into English immediately from the original Arabic; with explanatory notes, taken from the most approved commentators. To which is prefixed a preliminary discourse (5th ed.). Philadelphia: J. B. Lippincott & Co.
15. Southern, R. W. (1962). Western views of Islam in the Middle Ages. Cambridge, MA, and London, England: Harvard University Press.
16. Tolan, J. V. (2008). Sons of Ishmael: Muslims through European Eyes in the Middle Ages. Gainesville, FL: Florida University Press.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-14]